



ساخت ارگتیو در گونه اریسمانی

اسفندیار طاهری^۱

مقاله پژوهشی

چکیده

اریسمانی یکی از گونه‌های بادرودی است که در روستای اریسمان در نزدیکی بادرود در شمال شرقی اصفهان صحبت می‌شود. این گونه همانند دیگر زبان‌های مرکزی ایران ساخت ارگتیو را به صورت مطابقت فعلی دارد، اما برخلاف بیشتر زبان‌های مرکزی، شناسه‌ای را که با مفعول مطابقت کند همیشه به کار می‌برد. اریسمانی همچنین نظام حالت را به شکل محدود در ضمیرهای شخصی حفظ کرده است. هدف این مقاله بررسی امکان وجود ارگتیو حالت‌نمایی در این گونه است، همچنین به بررسی چگونگی مطابقت فعلی در ساخت ارگتیو می‌پردازد و ساخت نحوی ضمیر واژه‌بستی که در نقش عامل فعل گذشته گذرا در ساخت ارگتیو کاربرد دارد بررسی می‌کند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد اریسمانی با وجود داشتن نظام حالت در ضمیر، ارگتیو حالت‌نمایی ندارد و در مورد مطابقت فعلی، در فعل‌های گذشته گذرا شناسه‌ای که فعل می‌گیرد از جهت شخص، شمار و جنس با مفعول جمله مطابقت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: بادرودی، اریسمانی، ارگتیو، مطابقت فعلی، زبان‌های ایرانی.

۱- مقدمه

ارگتیو یا ساخت کنایی ساختی است که در آن فاعل فعل ناگذر با مفعول فعل گذرا یکسان نشانه‌گذاری می‌شوند و این دو در برابر عامل فعل گذرا قرار می‌گیرند که به شیوه متفاوتی نشانه‌گذاری می‌شود. ارگتیو در زبان‌های ایرانی به دو شکل نمود یافته است، یکی به صورت حالت‌نمایی که در زبان‌هایی دیده می‌شود که صرف اسم دارند و همزمان ارگتیو هم هستند، مانند تاتی، بلوچی و هورامی؛ دیگری به شکل مطابقت فعل که در آن فعل از جهت شخص و شمار و یا جنس با مفعول جمله مطابقت می‌کند. این گونه از ارگتیو است که در بیشتر زبان‌های ایرانی دیده می‌شود و به‌ویژه در زبان‌های جنوب غربی که اسم حالت ندارد، تنها همین نوع ارگتیو کاربرد دارد. در گونه‌ای از ارگتیو که به شکل مطابقت فعل با مفعول شناخته می‌شود، در بیشتر زبان‌های ایرانی شناسه‌ای که چنین مطابقتی را نشان دهد، اغلب حذف شده است و فعل‌های گذشته‌گذرا عموماً بدون شناسه به کار می‌روند و شخص و شمار آنها با ضمیر واژه‌بستی که فاعل فعل است یا با ضمیر آزاد یا اسم نشان داده می‌شود، اما شماری از زبان‌های ایرانی مانند تاتی همچنان چنین شناسه‌ای را حفظ کرده‌اند. از میان گویش‌های مرکزی نیز تنها گروه محدودی از این گویش‌ها که پیرامون کاشان و نطنز هستند، چنین شناسه‌ای را همچنان به کار می‌برند. بادرودی و گونه‌های آن اریسمانی، فمی و خالدآبادی همگی شناسه‌ای را که با مفعول مطابقت کند، همچنان حفظ کرده‌اند. با توجه به این که اریسمانی و دیگر گونه‌های بادرودی نظام حالت را به شکل محدودی در ضمیر حفظ کرده‌اند، هدف این مقاله بررسی امکان وجود ارگتیو حالت‌نمایی در این گونه و بررسی چگونگی مطابقت فعلی در ساخت ارگتیو است. همچنین نگاهی خواهد شد به ساخت نحوی ضمیر واژه‌بستی که در نقش فاعل فعل گذشته در ساخت ارگتیو کاربرد دارد. داده‌های این مقاله برگرفته از پیکره‌ای است که به شماره ۱۶۳۵۲ برای اریسمانی در پایگاه گنجینه زبان‌های ایرانی^۱ آرشیو شده است. این پیکره شامل دو فایل صوتی از نمونه جمله‌هایی است که برای توصیف دستور اریسمانی بر اساس پرسشنامه تهیه شده‌اند. تمام مثال‌های اریسمانی از این پیکره نقل شده‌اند، از این جهت از ارجاع پیاپی به پیکره پرهیز شده است. با توجه به این که هیچ پژوهشی درباره دستور اریسمانی تاکنون انجام نگرفته است، هر آنچه درباره دستور اریسمانی در این مقاله اشاره شده است، بر پایه تحلیل‌های نگارنده از پیکره مورد استفاده است.

اریسمانی یکی از گونه‌های زبان بادرودی است که در روستای اریسمان در نزدیکی بادرود صحبت می‌شود. بادرودی و گونه‌های دیگر آن از زبان‌های مرکزی ایران هستند که خود زیرشاخه‌ای از زبان‌های شمال غربی ایران (گویش‌های شمال غربی) محسوب می‌شوند و همگی در شهرستان کوچک بادرود در ۱۰۰ کیلومتری شمال شهر اصفهان و ۱۵ کیلومتری شرق نطنز صحبت می‌شوند (ویندفور، ۱۹۹۱). در کنار اریسمانی، گونه‌های دیگر شامل فمی و خالدآبادی می‌شوند که به ترتیب در روستاهای فمی و خالدآباد

در نزدیکی بادرود صحبت می‌شوند. زبان‌های این منطقه در زبان محلی به نام دهی Dehi شناخته می‌شوند، عنوانی که برای گویش‌های جنوب کاشان مانند آرانی و ابوزیدآبادی هم به کار می‌رود (یارشاطر، ۱۹۸۸).

۲- پیشینه پژوهش

تاکنون هیچ پژوهشی دربارهٔ دستور اریسمانی و یا ساخت ارگتیو در آن انجام نگرفته است. تنها پژوهش در دسترس مقاله کوتاهی است که یارشاطر (۱۹۸۸) دربارهٔ بادرودی در دانشنامهٔ ایرانیکا نوشته است. این مقاله بر پایهٔ داده‌هایی است که یارشاطر در سال ۱۹۶۹ از روستای باد در آن زمان (شهر کنونی بادرود) گرد آورده بود. یارشاطر به جز آوردن صرف چند فعل بادرودی اشاره‌ای به چگونگی ساخت فعل‌های گذشتهٔ گذرا و این که ساخت ارگتیو دارند، نکرده است. در ارزیابی کلی‌ای که ویندفوهر (۱۹۹۱) از زبان‌های مرکزی ایران انجام داده است، نیز بدون نام بردن از بادرودی و گونه‌های آن، اشاره‌ای کوتاه به ساخت ارگتیو در زبان‌های مرکزی ایران کرده است و چند مورد از مطابقت فعلی را در ارگتیو از زبان‌های جنوب کاشان و اطراف نطنز مانند ابیانه‌ای، کشه‌ای و ابوزیدآبادی ذکر کرده است.

۳- چارچوب نظری پژوهش

ارگتیو یا ساخت کنایی ساختی است که در آن فاعل فعل ناگذر (subject) با مفعول فعل گذرا (object) به شیوهٔ یکسانی نشانه‌گذاری می‌شود، در حالی که فاعل فعل گذرا (agent) به شیوهٔ متفاوتی نشان داده می‌شود. ارگتیو عموماً به دو شکل نمود می‌یابد، یکی به صورت حالت‌نمایی و دیگری به صورت مطابقت فعلی. در چارچوب حالت‌نمایی ارگتیو دو حالت دارد، حالت مطلق^۱ که بی‌نشان است و برای نشان دادن فاعل فعل ناگذر و مفعول فعل گذرا به کار می‌رود، و حالت ارگتیو که نشاندار است و برای نشان دادن فاعل فعل گذرا به کار می‌رود. از این جهت ارگتیو در برابر الگوی دیگری به نام اکوزاتیو^۲ قرار می‌گیرد که آشناتر و رایج‌تر است و در زبان‌هایی مانند فارسی و انگلیسی وجود دارد که در آن حالت فاعلی^۳ فاعل فعل ناگذر (subject) و فاعل فعل گذرا agent، و حالت دیگر که اکوزاتیو است مفعول فعل گذرا (object) را نشان می‌دهد (دیکسون^۴، ۱۹۹۴: ۱).

تاتی کجلی که در بخش شاهرود شهرستان خلخال صحبت می‌شود، زبانی است که ساخت دوگانهٔ حالت با دو حالت مستقیم و غیرمستقیم دارد. در این گونه که ساخت ارگتیو نیز دارد، حالت مستقیم برابر با حالت مطلق و حالت غیرمستقیم برابر با حالت ارگتیو است. در این وضعیت اگر فاعل فعل ناگذر و مفعول فعل

1. Absolutive
2. Accusative
3. Nominative
4. Dixon

گذرا هر دو حالت مستقیم و فاعل فعل گذرا (agent) حالت غیرمستقیم داشته باشد، ساخت کنایی وجود دارد. بیان ساده‌تر این ساخت این است که در جمله‌های با فعل گذرا اگر مفعول حالت مستقیم و فاعل حالت غیرمستقیم داشته باشد، می‌توان گفت ارگتیو وجود دارد: در مثال (۱) از تاتی کجلی اسم مؤنث *karga* فاعل فعل ناگذر *bamia* است و حالت مستقیم/ مطلق دارد، در مثال (۲) همین واژه در نقش فاعل فعل گذرا قرار دارد و حالت غیرمستقیم/ ارگتیو دارد. این در حالی است که *gandem* که مفعول جمله است، حالت مستقیم/ مطلق دارد:

1. *karga* *bamia*
 DIR/ABS.آمد PST.3SG-FEM. مرغ
 «مرغ آمد» (یارشاطر، ۱۹۶۰)

2. *karg-e* *gandem=eš* *be-hard*
 DIR/ABS=3SG.پسر OBL/ERG.مرغ PST.3SG.خورد
 «مرغ گندم را خورد» (یارشاطر، ۱۹۶۰)

گونه دیگری از ارگتیو مطابقت فعل با سه سازه *subject*, *object*, *agent* در گروه اسمی است. هرگاه فعل یا فعل کمکی شناسه‌ای داشته باشد که این شناسه به اسمی که در نقش *subject* یا *agent* است، ارجاع دهد، چنین زبانی از نوع اکوزاتیو است، اما اگر این شناسه به اسمی که در نقش *subject* و *object* است ارجاع دهد، چنین زبانی از نوع ارگتیو است. (دیکسون، ۱۹۹۴: ۴۲؛ منینگ، ۲۰۰۶). جوشقانی از زبان‌های مرکزی ایران زبانی است که ارگتیو با مطابقت فعلی دارد. مطابقت فعلی می‌تواند مطابقت فعل با مفعول از جهت جنس باشد. در مثال (۳) از جوشقانی *ba-bard-a* فعل گذشته ۳-مفرد مؤنث است که با مفعول جمله *jan* «زن» که مفرد و مؤنث است، مطابقت کرده است، نه با *šüa* «شوهر» که فاعل جمله است:

3. *šü-a* *jan=eš* *babard-a* *šahr*
 DEF-شوهر 3SG=زن PST-3SG.F.بردن شوهر
 «شوهر زنش را به شهر برد» (طاهری، ۲۰۱۷: ۰۰۱)

اما مطابقت فعلی می‌تواند مطابقت فعل با مفعول از جهت شخص و شمار نیز باشد. در مثال (۴) از جوشقانی فعل *ba-ynâsâ-inda* فعل گذشته ۳-جمع است که با مفعول جمله که ضمیر جمع *niyâ* «اینها» است مطابقت کرده است، نه با ضمیر واژه‌بستی *š*- که مفرد و فاعل جمله است:

4. *ba-ma* *š=aâ* *ke* *niyâ=m* *ba-ynâsâ-inda*

PST-3PL. شناختن-PRF 1SG =اینها که PST.گفت-3SG 3SG.PST.آمد

«آمد و گفت اینها را شناختم» (طاهری، ۲۰۱۷: ۰۰۱۱)

موضوع گسسته بودن ارگتیو بحثی است که در بررسی ارگتیو در هر زبانی باید به آن توجه کرد، زیرا هیچ زبانی وجود ندارد که کاملاً ارگتیو باشد. زبان‌هایی که ارگتیو دارند، همیشه نشانه‌هایی از ساخت اکوزاتیو هم نشان می‌دهند، به بیان دیگر این زبان‌ها آمیزه‌ای از ویژگی‌های ارگتیو و اکوزاتیو را با هم نشان می‌دهند. در مورد گسسته بودن ارگتیو موضوع این است که یک زبان ارگتیو تا چه اندازه ارگتیو است. گسستگی بین میزان ارگتیو و اکوزاتیو بودن می‌تواند از چند جهت، هم از جهت صرفی و هم نحوی و هم از نگاه تاریخی بررسی شود (منینگ، ۲۰۰۶).

از نظر صرفی در زبان‌هایی که ارگتیو را به شکل حالت‌نمایی دارند، این که حالت در این زبان‌ها تا چه اندازه ارگتیو و تا چه اندازه اکوزاتیو است، یک پیوستار وجود دارد. در حالی که برخی زبان‌ها در نظام حالت‌نمایی کاملاً ارگتیو هستند، در برخی این الگو مشروط به شرایط خاصی است. ابعاد این پیوستار می‌تواند وابسته به ویژگی‌های دستوری مختلف مانند زمان، نمود، وجه و مانند آن باشد. گونه دیگری از ارگتیو گسسته، گسستگی بین استفاده از الگوی حالت‌نمایی یا الگوی مطابقت فعلی است. در حالی که برخی زبان‌های ایرانی هر دو الگو را همزمان به کار می‌برند، مانند تاتی، هورامی و بلوچی، برخی حالت‌نمایی را با الگوی ارگتیو دارند ولی نظام مطابقت فعلی را تماماً اکوزاتیو به کار می‌برند، مانند تالشی؛ اما در بیشتر زبان‌های ایرانی که نظام حالت ندارند، ارگتیو فقط به شکل مطابقت فعلی به کار می‌رود.

گسسته بودن ارگتیو را از نگاه تاریخی هم می‌توان بررسی کرد. به این معنی که هر زبانی می‌تواند در روند تحول تاریخی خود از الگوی ارگتیو به اکوزاتیو و برعکس تغییر کند. زبان‌های ایرانی غربی که اکنون ساخت ارگتیو را به شکل حالت‌نمایی یا مطابقت فعلی دارند، همه بازمانده زبان‌هایی هستند (فارسی باستان، مادی و یا ایرانی آغازین) که اکوزاتیو بوده‌اند. سپس در دوره میانه که نشانه‌های آن را در فارسی میانه و پارتی می‌بینیم، الگوهای ارگتیو هم به صورت حالت‌نمایی و هم به صورت مطابقت فعلی شکل می‌گیرد. این الگو در برخی از زبان‌های ایرانی غربی نو باقی مانده است و در برخی مانند فارسی از میان رفته است (پاین، ۱۹۹۸). در مورد این که این پدیده چرا و چگونه انجام می‌گیرد بررسی‌های زیادی انجام گرفته است. دیکسون (۱۹۹۴: ۱۸۵) سازوکارهای در زمانی مختلفی را برای تبدیل یک زبان اکوزاتیو به ارگتیو مطرح می‌کند، اما معتقد است که در مواردی که ارگتیو مشروط به زمان گذشته و نمود کامل است، این ساخت‌های مجهول و کامل هستند که می‌توانند خاستگاه ارگتیو باشند.

۴- بحث و بررسی، ارگتیو در اریسمانی

همگام با دیگر زبان‌های مرکزی ایران، اریسمانی ارگتیو را به صورت مطابقت فعلی دارد. در بیشتر زبان‌های مرکزی شناسه‌ای که مطابقت فعلی را در ساخت ارگتیو نشانه‌گذاری می‌کند، از میان رفته است و در بیشتر گونه‌های زبان‌های مرکزی فعل گذشته گذرا که ساخت ارگتیو دارد، بدون شناسه به کار می‌رود. تنها در شاخه شمال شرقی از زبان‌های مرکزی که شمال زبان‌های اطراف نطنز و جنوب کاشان (مانند ابوزیدآبادی، ایبانه‌ای، جوشقانی، بادرودی و مانند آنها) می‌شوند، همچنان فعل‌های گذشته گذرا گاهی شناسه‌ای دارند که با مفعول جمله مطابقت می‌کند (ویندفوهر، ۱۹۹۱). از بین شاخه شمال شرقی زبان‌های مرکزی تنها بادرودی و گونه‌های دیگر آن مانند اریسمانی و فمی هستند که فعل گذشته گذرا همیشه شناسه‌ای می‌گیرد که با مفعول مطابقت می‌کند. از سوی دیگر بادرودی و اریسمانی از معدود زبان‌های مرکزی هستند که نظام حالت را به شکل محدود در برخی از ضمیرهای شخصی و اشاره همچنان حفظ کرده‌اند، و این ویژگی می‌تواند بستر مناسبی برای شکل‌گیری ارگتیو حالت‌نمایی در این گونه‌ها باشد. در ادامه نخست بررسی می‌شود که در اریسمانی که نظام حالت را در ضمیر دارد، آیا الگوی ارگتیو حالت‌نمایی نیز کاربرد دارد یا نه؟ سپس به بررسی ارگتیو مطابقت فعلی در این گونه پرداخته می‌شود و جنبه‌های نحوی مختلف این ساخت از جهت نوع مطابقت، رفتار نحوی مفعول در مطابقت فعلی و نقش و جایگاه نحوی ضمیرهای واژه‌بستی در ارگتیو مطابقت فعلی بررسی خواهد شد.

۴-۱- ارگتیو حالت‌نمایی

اریسمانی و دیگر گونه‌های بادرودی نظام حالت را که در بیشتر زبان‌های مرکزی ایران از میان رفته است، به شکل محدودی در ضمیرهای شخصی اول شخص و دوم شخص مفرد و نیز در ضمیرهای اشاره/ سوم شخص جمع حفظ کرده است. ضمیرهای ۱- مفرد و ۲- مفرد به شکلی که در جدول زیر آمده است دو حالت مستقیم و غیرمستقیم دارند:

جدول ۱: حالت در ضمیرهای شخصی

حالت غیرمستقیم	حالت مستقیم	
min	axo	ضمیر ۱- مفرد
ta	to	ضمیر ۲- مفرد

در مورد ضمیرهای اشاره که در نقش ضمیر شخصی سوم شخص نیز عمل می‌کنند، نظام حالت فقط در ضمیرهای جمع وجود دارد. ضمن این که اریسمانی (برخلاف بادرودی، نک یارشاطر، ۱۹۸۸) تمایز اشاره به دور و نزدیک را در ضمیرهای جمع اشاره ندارد، یعنی برای «اینها» و «آنها» یک صورت بیشتر ندارد. در نتیجه ضمیر اشاره/ سوم شخص جمع دو حالت مستقیم و غیرمستقیم مطابق جدول (۲) دارد:

جدول ۲: حالت در ضمیر اشاره / سوم شخص جمع

حالت غیرمستقیم	حالت مستقیم	
nümin	nüme	ضمیر اشاره / سوم شخص جمع

در مورد هر دو نوع ضمیر حالت مستقیم در نقش فاعلی و حالت غیرمستقیم در نقش مفعول، متمم و مضاف‌الیه کاربرد دارد. مانند مثال (۵) که axo فاعل فعل ناگذر amun-un است و حالت مستقیم دارد اما در مثال (۶) که متمم جمله است حالت غیرمستقیم دارد:

5. axo iru kade de amun-un
 PRS.IMP.1SG.ماندن در خانه امروز DIR.من
 «من امروز در خانه می مانم»
6. doru=šun de min bavot
 PST.گفتن OBL.من fi 3PL=دروغ
 «به من دروغ گفتند»

در مورد ضمیر اشاره جمع نیز به همین شکل. در مثال (۷) nüme که حالت مستقیم دارد، فاعل فعل ناگذر است، اما در مثال (۸) nümin حالت غیرمستقیم است زیرا مضاف الیه هست برای düm:

7. nüme kiyâ šod-en
 PST-3PL.رفتن کجا DIR.آنها
 «آنها کجا رفتند؟»
8. düm=e nümin ârpüş
 PRS.IMP.2SG.پوشیدن OBL.اینها EZ=روی
 «روی اینها را بپوشان»

اکنون باید بررسی کرد در جمله‌های با فعل گذشته گذرا اگر این ضمیرها در نقش مفعول حالت مستقیم و در نقش فاعل حالت غیرمستقیم داشته باشد، آنگاه می‌توان گفت اریسمانی ساخت ارگتیو را به صورت حالت‌نمایی دارد. در مثال (۹) axo که حالت مستقیم دارد در نقش فاعل فعل گذرای na-bard-un قرار دارد، پس ساخت ارگتیو ندارد، چون در ساخت ارگتیو در این نقش باید حالت غیرمستقیم داشته باشد. در مثال (۱۰) نیز axo که حالت مستقیم دارد فاعل فعل گذرای na-diyâ-ē است، ضمیر ta هم که حالت غیرمستقیم دارد در نقش مفعول جمله قرار دارد. حالت هیچ‌کدام از این دو ضمیر در چارچوب الگوی ارگتیو

نیست، بلکه هر دو با الگوی اکوزاتیو حالت دارند، در نتیجه اریسمانی در صرف ضمیرهای شخصی الگوی ارگتیو حالت‌نمایی ندارد.

9. axo=šun na-bard-un
 من=3PL NEG-بردن.PST-1SG
 «من را نبردند»

10. axo ta=m na-diyâ-ē
 من.DIR تو.OBL=1SG NEG-دیدن.PST-2SG
 «من تو را ندیدم»

در مورد ضمیر اشاره/ سوم شخص جمع در مثال (۱۱) nūme حالت مستقیم دارد و در نقش فاعل فعل گذرای na-diyâ-in قرار گرفته است، پس ساخت ارگتیو ندارد، زیرا در چارچوب ساخت ارگتیو می‌بایست با حالت غیرمستقیم به کار می‌رفت.

11. nūme ama=šun na-diyâ-in
 اینها ما=3PL NEG-دیدن.PST-1PL
 «اینها ما را ندیدند»

۴-۲- ارگتیو مطابقت فعلی

مطابق هماهنگی نظام‌مند بین مشخصه معنایی یا صوری یک عنصر با مشخصه صوری عنصر دیگر است. برای مثال صفتی که مشخصه صوری شمار و جنس اسم را توصیف می‌کند، از جهت شمار و جنس با موصوف خود مطابقت دارد. مطابقت عموماً اینگونه بیان می‌شود: x مطابقت می‌کند با y در ویژگی z. در این تعریف، x عنصری است که صورت آن با مطابقت مشخص می‌شود و هدف مطابقت نامیده می‌شود، y عنصری است که مطابقت را تعیین می‌کند و کنترل‌گر مطابقت نامیده می‌شود، و z ویژگی دستوری است که با مطابقت مشخص می‌شود، مثلاً شخص، شمار، جنس، حالت و مانند آن (کوربت، ۲۰۰۳؛ استیل، ۱۹۷۸). در چارچوب مطابقت فعلی که در ارگتیو مطرح است، می‌توان گفت مفعول جمله که مطابقت را مشخص می‌کند کنترل‌گر، فعل که شناسه آن با مطابقت تعیین می‌شود، هدف مطابقت و ویژگی دستوری که در مطابقت تعیین می‌شود شخص، شمار و جنس است. همچنان که گفته شد ارگتیو ساختی است که در آن فاعل فعل ناگذر (subject) با مفعول فعل گذرا (object) به شیوه یکسانی نشانه‌گذاری می‌شود، و این دو متفاوت از عامل فعل گذرا (agent) هستند، که به شیوه متفاوتی نشانه‌گذاری می‌شود. نکته اصلی در این تعریف رفتار یکسان فاعل با مفعول و این که هر دو با عامل رفتار متفاوتی دارند. در مورد ارگتیو در اریسمانی، این بدان

معنی است که در جمله‌هایی که فعل بر پایه ستاک گذشته ساخته می‌شود، شناسه‌ای که فعل جمله می‌گیرد از جهت شخص و شمار و/ یا جنس در فعل‌های گذشته ناگذر با فاعل و در فعل‌های گذشته گذرا با مفعول جمله مطابقت می‌کند نه با فاعل جمله. این ساخت از این جهت ارگتیو محسوب می‌شود که فاعل و مفعول هر دو با فعل مطابقت می‌کنند، در حالی که عامل چنین نیست. در ادامه به بررسی مطابقت فعلی در چارچوب ارگتیو در اریسمانی پرداخته می‌شود. با توجه به این که اریسمانی ویژگی جنس را هم در فعل و هم در اسم دارد، نخست به بررسی مطابقت از نظر جنس و سپس به بررسی مطابقت فعلی از جهت شخص و شمار پرداخته می‌شود.

اریسمانی در ساخت فعل ویژگی جنس را در سوم شخص مفرد نشان می‌دهد. پس جنس فعل تنها می‌تواند مفعول مفرد را نشانه‌گذاری کند. در اریسمانی فعل مؤنث ۳-مفرد با گرفتن پسوند e- از فعل مذکر متمایز می‌شود. مثلاً pūra bat «پسر خوابید» در برابر dōtu bate «دختر خوابید». اگر ساخت ارگتیو داشته باشد، فعل مؤنث باید با مفعول مؤنث مطابقت کند. مانند مثال (۱۲) که فاعل جمله šü-a است که اسمی مذکر است، اما فعل ba=š=bard-a که مؤنث است با مفعول جمله که اسم مؤنث jan «زن» است مطابقت کرده است. یا در مثال (۱۳) فعل na-diyâ-e که مؤنث است با مفعول جمله که اسم مؤنث xu «خواهر» است مطابقت کرده است:

12. šü-a jan=eš ba=š=bard-e šahr
شهر PST-F. بردن. PRF=3SG= زن=3SG DEF-شوهر
«شوهر زنش را به شهر برد»

13. xu min=ed na-diyâ-e
خواهر من OBL=2SG NEG-دیدن. PST-F
«خواهر من را ندیدی؟»

فعل می‌تواند مفعول مؤنثی را که در جمله نیامده است نیز نشانه‌گذاری کند. در مثال (۱۴) فعل مؤنث ba=š=diyâ-e با اسم مؤنثی مطابقت کرده است که در جمله نیامده است. در واقع شناسه این فعل به تنهایی مفعول جمله را نشانه‌گذاری کرده است:

14. nün pūra ba=š=diyâ-e
آن. M DEF. M PRF=3SG= دیدن. PST-3SG. F
«آن پسر (دختر را) دید»

مطابقت فعلی در ساخت ارگتیو می‌تواند شمار و شخص مفعول را نیز نشانه‌گذاری کند. شناسه‌ای که فعل گذشته گذرا می‌گیرد از جهت شخص و شمار با مفعول مطابقت می‌کند نه فاعل. مفعولی که فعل با آن مطابقت می‌کند، می‌تواند اسم جمعی باشد که در جمله آمده است. مانند مثال (۱۵) با وجود اینکه عامل فعل ضمیر واژه‌بستی -š و مفرد است، فعل با مفعول جمله که اسم جمع daraxt است مطابقت کرده است. در واقع مطابقت فعلی در اینجا ابزار نحوی برای نشانه‌گذاری اسمی است که از نظر ساختار نحوی نشانه‌گذاری نشده است، یعنی پسوند جمع‌ساز نگرفته است. (شایان یادآوری است که در اریسمانی و دیگر گونه‌های بادروی پسوند جمع‌ساز عموماً به کار نمی‌رود و بیشتر از مطابقت فعلی و ضمیری برای نشان دادن شمار جمع استفاده می‌شود. در این باره نک. طاهری، ۱۴۰۳). در مثال (۱۶) نیز فعل جمع -bed-en pušta=š مفعول جمله را نشانه‌گذاری کرده است که پسوند جمع‌ساز ندارد و شمار آن از طریق مطابقت با فعل نشان داده شده است:

15. daraxt=eš ow âdâ-en
 3SG=درخت آب دادن 3PL
 «درختها را آب داد»
16. labâs=e kunu pušta=š -bed-en
 3PL=بود- PTCP=3SG پوشیده کهنه EZ=لباس
 «لباس‌های کهنه‌ای پوشیده بود»

فعل می‌تواند با مفعولی که ضمیر شخصی یا اشاره است نیز از جهت شمار و شخص مطابقت کند. در مثال (۱۷) فعل ۳- جمع ba-d-rinâ-en با ضمیر اشاره جمع nüme مطابقت کرده است. در مثال (۱۸) فعل ۱- جمع kard-in با مفعول جمله که ضمیر ۱- جمع ama است، مطابقت کرده است.

17. nüme kiyâ=d ba-d-rinâ-en
 اینها از=کجا اینها PRF=2SG=خریدن PST-3PL
 «اینها را از کجا خریدی؟»
18. ama=šun bar kard-in
 ما=3PL بیرون کردن PST-1PL
 «ما را بیرون کردند»

اما بدون هم‌مرجع شدن با مفعول فعل نه تنها می‌تواند با مفعول ذکر نشده جمله مطابقت کند، بلکه در واقع آن را نشانه‌گذاری نیز می‌کند. این در مواردی انجام می‌گیرد که مفعول ذکر نشده ضمیر باشد. اگر به مثال (۱۹) دقت شود، شناسه‌ای که فعل ba-vot-i گرفته است، ۲- جمع است که با مفعول «شما» که در

جمله ذکر نشده است، مطابقت کرده و در واقع آن را نشانه‌گذاری کرده است. در مثال (۲۰) نیز فعل a-piyâ-en که شناسهٔ ۳-جمع دارد، هر چند kodum در نقش مفعول در جمله آمده است، اما این فعل با مفعول اصلی که «آنها» است مطابقت کرده است.

19. či=šun dar ba-vot-i
چه=3PL به PRF-2PL گفتن
«(به شما) چه گفتند؟»

20. kodum-ud a-piyâ-en
کدام=2SG IMPF-3pl خواستن
«(آنها را) کدامیک را می‌خواستی؟»

مطابقت فعلی وقتی جنس را نشانه‌گذاری می‌کند، لزوماً با مفعول اسمی و نه ضمیری مطابقت می‌کند. زیرا ضمیرهای شخصی یا اشاره در اریسمانی جنس ندارند و نمی‌توانند مرجع شناسهٔ فعلی قرار بگیرند. اما در مورد مطابقت فعلی که شخص و شمار مفعول را نشانه‌گذاری کرده است، چون شناسه همزمان شخص و شمار را نشان می‌دهد، پس برای هم‌مرجع شدن باید سازه‌ای باشد که آن هم ویژگی شخص و شمار داشته باشد. تنها ضمیرهای شخصی هستند که چنین ویژگی‌ای دارند. پس مطابقت فعلی از جهت شخص و شمار تنها در مورد ضمیرهای شخصی انجام می‌گیرد. این ضمیر می‌تواند در جمله آمده باشد یا این که حذف شده و تنها با شناسهٔ فعل نشانه‌گذاری شود. اما در مواردی که مفعول اسم است مطابقت فعلی بعنوان ابزار ضروری برای نشانه‌گذاری شمار جمله به کار می‌رود.

۴-۳- جایگاه ضمیر واژه‌بستی در ساخت ارگتیو

عموماً وقتی از نقش واژه‌بست‌های ضمیری صحبت می‌شود، بیشتر به واژه‌بست‌هایی اشاره می‌شود که در نقش مفعول، مضاف‌الیه یا متمم ظاهر می‌شوند. اما در زبان‌های ایرانی که ساخت ارگتیو دارند، واژه‌بست‌ها در نقش فاعل نیز ظاهر می‌شوند که جنبه‌های خاص مربوط به خود را دارد. این گونه واژه‌بست‌های ضمیری را می‌توان واژه‌بست‌های فاعل^۱ نامید (اندرسون، ۲۰۰۵: ۲۴۹). واژه‌بست‌های ضمیری در ساخت ارگتیو حضور پررنگی دارند، آنجا که در مطابقت فعلی در جمله‌هایی که فعل آنها بر پایهٔ ستاک گذشته ساخته می‌شود، این واژه‌بست‌ها در نقش عامل فعل گذرا به کار می‌روند. در اریسمانی اگر ضمیر واژه‌بست در نقش عامل فعل گذشته گذرا به کار رود، عموماً به مفعول جمله پیوسته می‌شود، مانند مثال (۲۱) و (۲۲):

21. yâyâ=šun ešnâsâ
همدیگر=3PL شناختن 3PL

1. subject clitic

«همدیگر را می‌شناختند»

22. ow=eš düm=e ataš rit
ریخت آتش EZ-روی 3SG=آب
«آب را روی آتش ریخت»

در پیکره مورد استفاده موارد زیادی دیده شده است که ضمیر واژه‌بستی که عامل فعل است، بین پیشوند فعلی و ستاک گذشته فعل آمده است و به ضمیر میان‌بست تبدیل شده است. برای نگارنده روشن نیست چنین جایگاه نحوی مشروط به چه شرایطی است. در مثال (۲۳) با وجود این که nin مفعول جمله است، اما ضمیر واژه‌بستی =d= به مفعول پیوست نشده است. در مثال (۲۴) مفعول جمله در جمله نیامده است و متمم جمله هم واژه‌بست دیگری گرفته است که پس‌اضافه است، در نتیجه ضمیر واژه‌بستی =d= که فاعل جمله است به صورت میان‌بست درون فعل آمده است:

23. nin kiyâ=d ba=d=riyâ
این از=کجا این PRF=2SG=خرید.PST
«این را از کجا خریدی؟»

24. var=e ki=d â=d=gita
پیش=EZ کسی از=چه کسی PREV=2SG=گرفت.PST
«از چه کسی گرفتی؟»

شرایط مشابهی در مورد فعل‌هایی که با فعل کمکی ساخته می‌شوند و نیز فعل‌های مرکب وجود دارد، در مثال (۱۶) که پیش از این ذکر شد، با وجود این که مفعول جمله labâs «لباس» است، اما ضمیر واژه‌بستی فاعل به صفت فعلی گذشته که در ساخت گذشته بعید به کار رفته است پیوسته شده است و بین صفت فعلی گذشته و فعل کمکی آمده است. در مثال (۲۵) ضمیر واژه‌بستی d- که فاعل فعل است به جزء اسمی فعل مرکب افزوده شده است.

25. xo niyâ=d râ=d-ka
خود در=اینجا خود PST.کردن- 2SG=راه
«خودت اینجا راه کردی (گذاشتی)؟»

وقتی که تأکید بر اشاره به فاعل باشد، خواه فاعل ضمیر یا اسم باشد، ضمیر واژه‌بستی هم‌مرجع با فاعل اسمی یا ضمیری به کار می‌رود. این نشان می‌دهد کاربرد ضمیر واژه‌بستی بر کاربرد ضمیر آزاد یا اسم اولویت دارد. نمونه‌ای از هم‌مرجع شدن با اسم پیش از در مثال (۲) آورده شد. نمونه دیگر مثال (۲۶) است که ضمیر واژه‌بستی با ضمیر آزاد هم‌مرجع شده‌اند:

26. ama arzuntar ba=mun=rut
 ما ارزانتتر PRF=1PL=فروختن.PST
 «ما ارزانتتر فروختیم»

دیکسون (۱۹۹۴: ۹۵) دربارهٔ این که در مطابقه چرا شناسهٔ فعلی بیشتر با ضمیر و به‌ویژه ضمیر واژه‌بستی هم‌ارجاع می‌شود، اشاره می‌کند که بیشتر زبان‌ها استفاده از شناسهٔ فعل و ضمیر واژه‌بستی را بر کاربرد ضمیر آزاد و اسم ترجیح می‌دهند. وی علت این پدیده را این می‌داند که شناسهٔ فعلی در کنار ضمیر واژه‌بستی می‌تواند ویژگی‌های دستوری شخص، شمار و جنس را نشانه‌گذاری کنند و این کاربرد ضمیر آزاد و اسم را اضافی و تکراری می‌کند. ضمیرهای آزاد گرایش کمی به کاربرد دارند و اغلب برای تأکیدهای خاص به کار می‌روند.

۵- نتیجه‌گیری

یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که با وجود این که اریسمانی نظام حالت را به شکل محدودی در ضمیرهای شخصی اول شخص و دوم شخص مفرد و نیز در ضمیرهای اشاره/ سوم شخص جمع حفظ کرده است اما در صرف ضمیرهای شخصی الگوی ارگتیو حالت‌نمایی ندارد، بلکه ارگتیو را تنها به صورت مطابقهٔ فعلی به کار می‌برد. این بدان معنی است که در جمله‌هایی که فعل بر پایهٔ ستاک گذشته ساخته می‌شود، شناسه‌ای که فعل جمله می‌گیرد از جهت شخص و شمار و/ یا جنس در فعل‌های گذشتهٔ گذرا با مفعول جمله مطابقت می‌کند نه با فاعل جمله. مطابقهٔ فعلی وقتی جنس را نشانه‌گذاری می‌کند، لزوماً با مفعول اسمی و نه ضمیری مطابقت می‌کند. زیرا ضمیرهای شخصی یا اشاره در اریسمانی جنس ندارند و نمی‌توانند مرجع شناسهٔ فعلی قرار بگیرند. اما در مورد مطابقهٔ فعلی که شخص و شمار مفعول را نشانه‌گذاری کرده است، چون شناسه همزمان شخص و شمار را نشان می‌دهد، پس برای هم‌مرجع شدن باید سازه‌ای باشد که آن هم ویژگی شخص و شمار داشته باشد. تنها ضمیرهای شخصی هستند که چنین ویژگی‌ای دارند. پس مطابقهٔ فعلی از جهت شخص و شمار تنها در مورد ضمیرهای شخصی انجام می‌گیرد. این ضمیر می‌تواند در جمله آمده باشد یا این که حذف شده و تنها با شناسهٔ فعل نشانه‌گذاری شود. اما در مواردی که مفعول اسم است، مطابقهٔ فعلی بعنوان ابزار ضروری برای نشانه‌گذاری شمار جمله به کار می‌رود. در مورد ضمیر واژه‌بستی که در نقش فاعل فعل گذشتهٔ گذرا به کار می‌روند. عموماً به مفعول جمله پیوسته می‌شود، اما وقتی که تأکید بر اشاره به فاعل باشد، خواه فاعل ضمیر یا اسم باشد، ضمیر واژه‌بستی هم‌مرجع با فاعل اسمی یا ضمیری به کار می‌رود.

منابع

- طاهری، اسفندیار (۱۴۰۳). شمار اسم در بادرودی. پژوهش‌های زبانشناسی دوره ۱۶، شماره ۱، پیاپی ۳۰: ۲۵-۳۸.
- گنجینه زبان‌های ایران (۱۴۰۲). اریسمانی، نمونه جمله برای توصیف دستور، www.irancorpus.com
- Anderson, S. (2005). *Aspects of the theory of clitics*. Oxford: Oxford University Press.
- Corbett, G. G. (2003). Agreement: terms and boundaries. In *The Role of Agreement in Natural Language. Proceedings of the 2001 Texas Linguistic Society Conference, Austin, Texas*. pp. 109-122.
- Dixon, R. M. (1994). *Ergativity*. Cambridge University Press.
- Manning, C. D. (2006). Ergativity, in Brown, K. (ed). *Encyclopedia of Language and Linguistics*, Elsevier Science, vol. 4: 210-217.
- Payne, J. (1998). Ergative Construction, in *Encyclopedia Iranica*, Vol. VIII: 555-558.
- Steele, S. (1978). Word order variation. A typological study. Universals of human language, ed. by JH Greenberg, CA Furgeson, and EA Moravcsik, vol. 4: Syntax, 585-623.
- Taheri, E. (2017). *Documentation of Jowshaqani, a central Iranian language*. www.elararchive.org
- Windfuhr, G. (1991). Central dialects. In E. Yarshater (Ed.), *Encyclopedia Iranica* V(3), (pp. 242-252). Persica Press.
- Yarshater. E. (1960). “The Tati Dialect of Kaja”, BSOAS, 23: 257-268.